



اهداگر اسناد

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1380 - شماره 44
از 140 تا 145

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92358>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



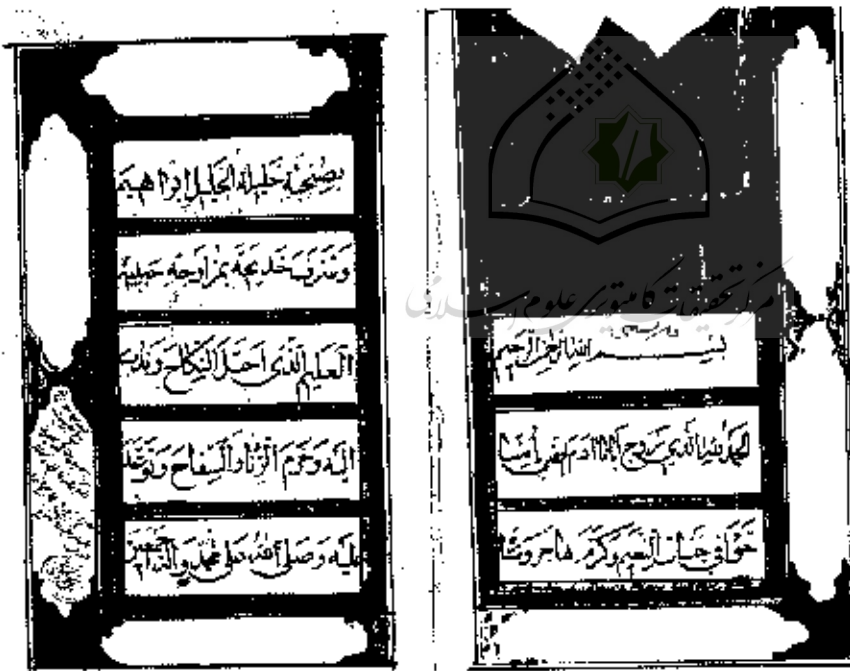
پایگاه مجلات تخصصی نور

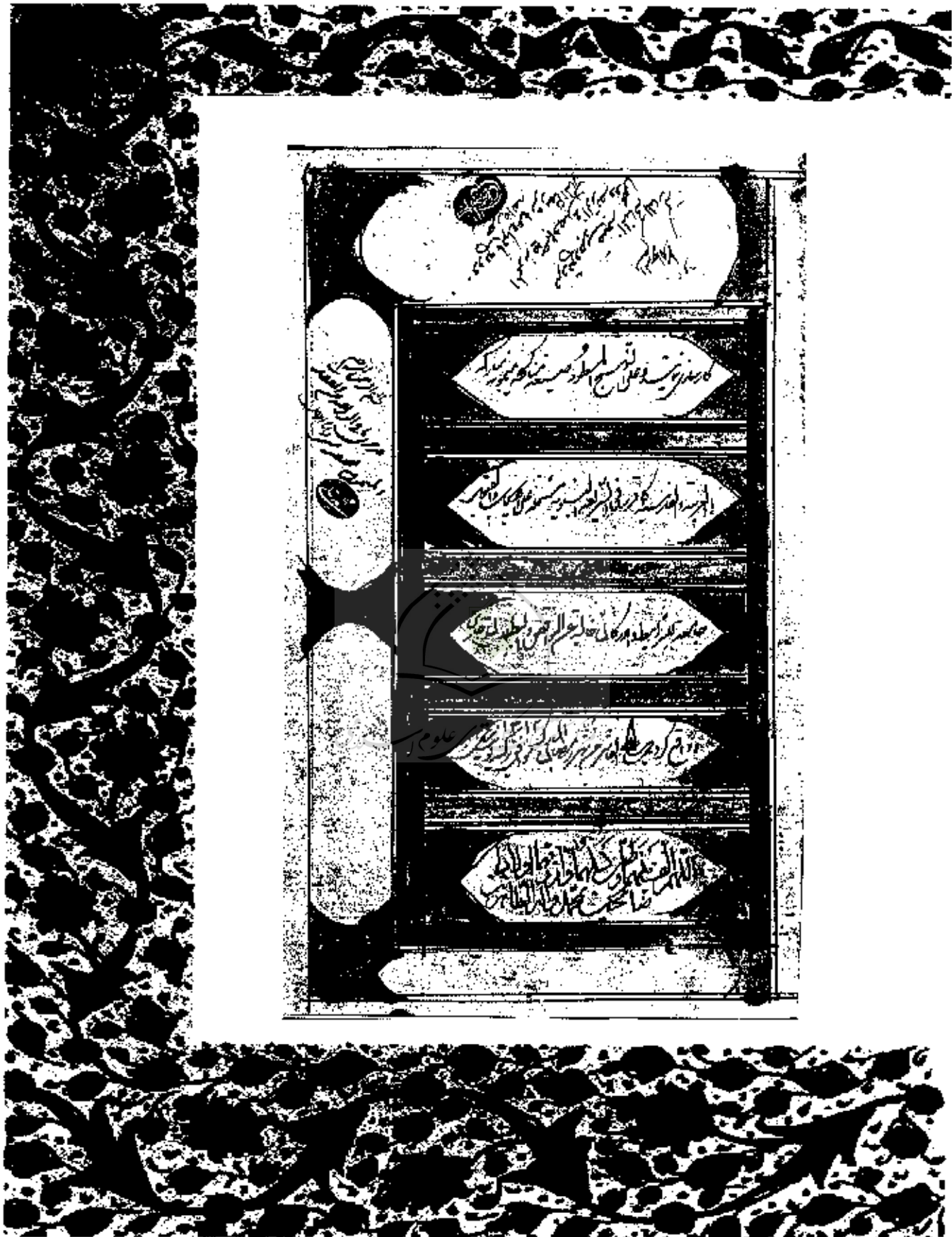
www.noormags.ir

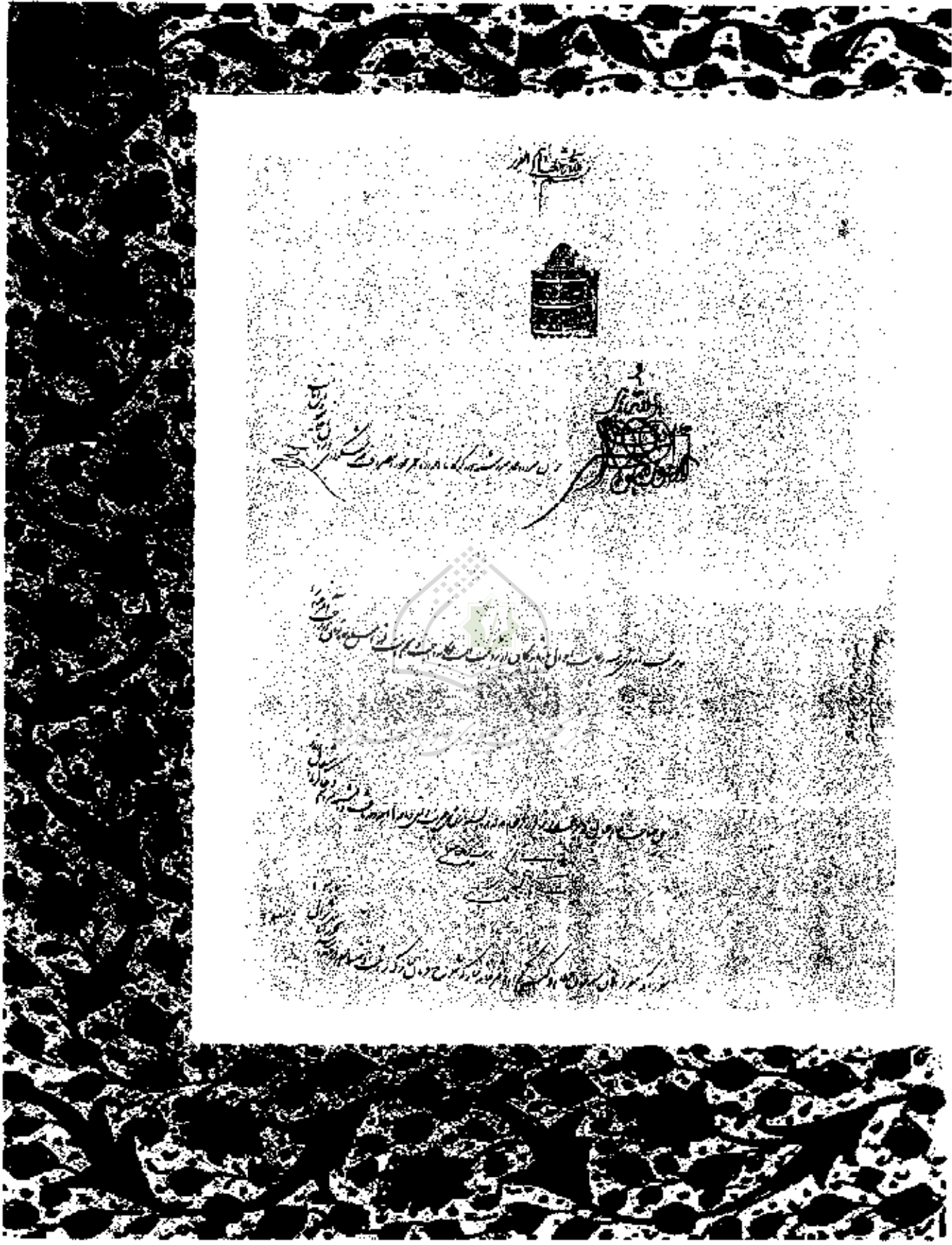
اهداگر اسناد

استاد دکتر عبدالکریم قریب، پایه‌گذار علم زمین‌شناسی جدید در ایران تعداد ده جلد از دست‌نوشته‌های نفیس خانوادگی را که در دوران قاجار به رشته تحریر درآمده بود به سازمان اسناد ملی ایران اهداء نمود. این آثار و مدارک در زمینه‌های متنوع از جمله: ادبیات، تاریخ افشاریه و قاجاریه، علم سیاق، آداب خوشنویسی و اشعاری به خط زیبا می‌باشد.

سازمان اسناد ملی ایران ضمن سپاسگزاری و تشکر فراوان از این اقدام والای فرهنگی، امیدوار است سایر خاندان‌های فرهیخته کشور، اندیشمندان، هنرمندان، پژوهشگران و تمامی مردم فرهنگ دوست کشورمان نیز با اهدای اسناد خود پر غنای گنجینه اسناد ملی ایران بفرمایند و موزه‌شان و پژوهشگران را در انجام تحقیقات علمی، فرهنگی و تاریخی یاری نمایند.







بسم الله الرحمن الرحيم



و این کتاب را به مناسبت سالروز ولادت حضرت مهدی (عج) و در روزهای مبارک ماه محرم ۱۳۹۳ هجری قمری تقدیم می‌نمایم.

در کتاب الهی و در کتاب الهی در روزهای مبارک ماه محرم ۱۳۹۳ هجری قمری تقدیم می‌نمایم.

و این کتاب را به مناسبت سالروز ولادت حضرت مهدی (عج) و در روزهای مبارک ماه محرم ۱۳۹۳ هجری قمری تقدیم می‌نمایم.

و این کتاب را به مناسبت سالروز ولادت حضرت مهدی (عج) و در روزهای مبارک ماه محرم ۱۳۹۳ هجری قمری تقدیم می‌نمایم.

محل ادارہ: میدان کابل چلو بھنگ
 مسجید شاہ مدفونہ صغیر
 مدیر و صاحب طبعیات
 مشرف الدین الحسنی
 ہوائی نکلوان
 قسیم سہیل
 تمام مکاتیب منوال
 مدیر خواجہ پروہ



شرایط اشتراك
 طبرستان و بنگالہ و عراق
 سایر ولایات ایران
 لیست نام نمرہ ہ ہاشمی
 وجہ اشتراك جلا
 دریافت خواجہ شد
 سال چهارم

(سوشل سائنس اور ادبیات) (تعمیر و ترقی کے لیے)

اجتماع

چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 اعراف الدین را ز طبرستان سوی تریون تکبیرش
 در حضور عیضه اورا بخوار می کشیم
 سر ای از خون در لیلیق بود قطره بر پیشین
 پس هم در دانه کیکان سرافروزی تکبیرش
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 ز این ایش آمدن جان ما با هر ایش جان زد
 کشته بر پیشین تمام شکوفا جان زد
 جان بیاید محاسن از روی تکبیرش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 که مکتوب قتلان برده سو شوقان ما
 لیکانی و لیره سخته فوج سوزان ما
 بعد از آن یک لقمه کرده خورد جو قوتان ما
 زین حیوانت ما بگویم جگر استخبرش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 ایکه علیا در بیاید برون زان دوسوا لیسوه
 ایکه مردم مطلب من بیدار افشا نمود
 ایکه اسرار لغت را باقول افشا نمود
 ز طوشتش از بندگی ما فویدیم تپویشش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 از جرات فرخ جعفری بقا و جان من برده
 آید و لا شاعران داشت و دلجوئی من برده
 و ن جوهرها تم آن سرخ و سنبلان من برده
 و تلمیذوں من توان نوراً کلمه لیزش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 او لیسوه کانیچین کنگنه فوج من مغرب است
 از خواہ اقامه و لاعتق بالذات بپوش است

چون روز توبه تفسیر تمام فصل و غیر
 تریون رسد کمنه برستان و دستان و جلندگران
 و ما را نماند حیدت و از دخلم کرده به امان
 انور که ملاسین کل زبان با کلمی و کلمی (اعراف
 الدین) کفون و کفون کفون

اعراف الدین مستور تپوفا است ز غیرش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 بلا از طبرستان سوی تریون تکبیرش کنیم
 هاج کل از باغ حیوانات تقسیم لورده اند
 یا خدا از دست موسوی تکبیرش کنیم
 خوب بیاید نظر بر خط و تحریرش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 هاج تکبیرش کنیم که کلمه در بین یکشد
 گفتگو از معجب و از بین اتین می کند
 حرکت حق را بر عوام الناس تلقین می کند
 خوشتر آن باشد که جمع الیوم تکبیرش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 شمسکرا از رسوم حاشی من می زند
 تپوفا را بر برندا اسرار حکیم من زند
 این تکبیرش کنیم علیه اهل عالم من زند
 سلطنت آن است در زنجیر چون شیرش کنیم
 چون سلطان است می بایست تکبیرش کنیم
 کلمه من گوید که بر دماغ ولایت لازم است
 از رسوم افکار تکبیرش و حیات لازم است
 از علم لغت درانی حیات لازم است
 ما پس تویرش کنیم تکبیرش کنیم

